

گفت‌وگو با حسین ریگی، کارگردان فیلم «میرو»

رویا سازی نیاز نوجوان امروز

ادای دین به سردار شهید حاج قاسم میرحسینی



میرو به موضوع دفاع مقدس هم در زیر لایه فیلم پرداخته‌اید.

براساس شناخت و فعالیت مستمر مستندسازی که در استان داشته به سوزه‌های مختلفی برخورد می‌کنم یکی از آنها با محوریت یکی از بسیجیان نوجوان شهرستان جاپهار و اراده او برای عزیمت به جبهه‌های جنگ، تحت تأثیر سردار شهید حاج قاسم میرحسینی بود. اساساً میرو تلفیقی از چند ایده است که من سعی کردم طرحی از مجموعه همه آنها ارائه دهم و با اضافه شدن مهدی معبودی و در انتها قیلنامه‌نویسی خوب پیمان شیرخانی، فیلمنامه اصلی شکل گرفت. معتمد سال‌های سال است که فیلم درباره دفاع مقدس در ایران ساخته می‌شود و در همه این آثار نشان داده شده است که مردم در تهران، خراسان، خوزستان، آذربایجان، کردستان، ایلام، کرمان، اصفهان و... در این دفاع حضور داشتند و از میهن خود محافظت کردند اما اغلب نمی‌دانند که مردم سیستان و بلوچستان در زمان جنگ تحمیلی چگونه از مرزها دفاع می‌کردند و بیش از ۳۱۰۰ شهید این استان در هشت سال دفاع مقدس داشته‌است. به همین دلیل به این نتیجه رسیدم که همراه با دوستان می‌توانیم اثری خلق کنیم که ادای دینی به این شهدا باشد. ضمن آن‌که سیستان و بلوچستان یکی از کوچک‌ترین شهدای جنگ را تقدیم وطن کرده‌است و من دوست داشتم اثری در زائر دفاع مقدس برای کودکان و نوجوانان خلق کنم.

مطرح می‌کنند. ما هم سعی کردیم در کنار بازیگران حرفه‌ای از نایاب‌تر نیز استفاده کنیم، البته این غیر از شخصیت اصلی است که در فیلم اول من حضور داشت. در میرو تلاش کردیم از تلفیق بازیگران حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای استفاده کنیم که فکر می‌کنم تعادل خوبی بین بازیگران شکل گرفت.

در انتخاب بازیگر به هم‌گیشه توجه داشتید؟

این‌که بازیگر می‌تواند به فروش فیلم کمک کند، واقعیتی است که نمی‌توان کتمان کرد اما معتقدم باید بازیگرانی را برای یک اثر انتخاب کرد که به قصه نزدیک باشند و ما در میرو این اتفاق را رقم زدیم. به نظر هر فیلمی شرایط خاص خود را برای انتخاب بازیگر دارد. برخی از فیلم‌ها می‌طلبند از بازیگران حرفه‌ای و چهره استفاده شود اما برخی از فیلم‌ها چنین ویژگی‌ای ندارند، چراکه باید بگویم بدون اثر را به مخاطب نشان داد. قاعدتاً فیلمنامه و شرایط حاکم بر اتمسفر فیلم می‌تواند تعیین‌کننده ما از سلبریتی و چهره استفاده کنیم یا نایاب‌گرانی که کسی آنها را نمی‌شناسد اما توانمند و مستعد هستند.

توجه به نوجوانان در فیلم‌های شما یک شاخه محسوب می‌شود و وقتی سراغ نوجوانان در یکی از استان‌ها می‌روید، انگار تلاش می‌کنید، فراتر از موقعیت داستانی به مسائل دیگری هم بپردازید.

معتقدم باید برای نوجوانان کشورمان رویا بسازیم. خلأ این موضوع در شهرستان‌ها بیشتر احساس می‌شود، زیرا وقتی از کودک یا نوجوان سبستانی می‌خواهید رویاهایش را نقاشی بکشد، دقیقاً نمی‌داند چه باید بکشد. به نظرم وظیفه سینماست که برای این رده سنی رویا بسازد و من هم تلاش کردم در میرو همین موضوع را دنبال کنم.

در بین آثار شما که همواره تلاش می‌کنید روایتی جذاب از استان سیستان و بلوچستان داشته باشد، این بار در

من بخشی از وجودم هستند؛ میرو نیز همین است، چراکه داستان نوجوانی است که برای رسیدن به هدفش می‌جنگد.

ساخت چنین آثاری هم سختی‌های خودش را دارد؟

آغاز فیلمبرداری ما در سیستان و بلوچستان در شهریور بود و فیلمبرداری در شرایط جوی سخت و گرمای هوا، کار گروه تولید را بسیار سخت کرد. جالب است بدانید درجه هوا در شهریور سیستان و بلوچستان دو و گاه چند برابر درجه هوا در تهران است. وقتی دوربین از تهران برای ساخت فیلم خارج می‌شود، تازه چالش‌ها خود را نشان می‌دهند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به نبود زیرساخت و امکانات و دوری از مرکز اشاره کرد.

این چالش‌ها وجود دارند اما با همراهی و همکاری ارگان‌های مختلف سعی کردیم اثری خلق کنیم که درخور شأن استان سیستان و بلوچستان باشد. البته علاوه بر سختی‌های فیلمسازی در هوای گرم و شرعی جنوب کشور باید به سختی‌های کار با بازیگران نوجوان که عمده‌شان برای نخستین بار مقابل دوربین رفته‌اند نیز اشاره کنم. در میرو ۲۴ بازیگر داشتیم که از بین آنها تنها شش هنرمند تجربه حرفه‌ای بازیگری و حضور مقابل دوربین را داشتند. سودابه بیضایی به همراه امیررضا دل‌آوری، ایوب افشار، حمید ابراهیمی، ابوالفضل همراه و آرزو تاج‌نیا بازیگران

دوربین دیده‌ما بودند و ۱۸ بازیگر دیگر که همه‌شان بومی بودند، برای نخستین بار مقابل دوربین قرار می‌گرفتند و این موضوع چالش بسیار سختی در تولید فیلم بود.

برای انتخاب این بازیگران با چه مسائلی روبه‌رو بودید؟

برای من انتخاب بازیگر اساساً مسأله مهمی است و همیشه در این سال‌ها با آن چالش داشتم، چراکه می‌خواستم بازیگر نزدیک به سوزه فیلم باشد. وقتی قرار است اثری سینمایی خلق شود از گروه کارگردانی گرفته تا نویسندگان و تهیه‌کننده پیشنهادهایی را نسبت به نقشی که در فیلمنامه وجود دارد،

شما در سومین تجربه هم سراغ قصه‌ای نوجوانه رفتید، در این باره توضیح دهید.

در دهه ۱۳۶۰، سینمای کودک و نوجوان ایران با ساخت آثاری مثل دونه، باشو غریبه کوچک و... روزهای خوبی را سپری می‌کرد اما در دهه ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ بعد از آن، کارگردانان ما آرام‌آرام از سینمای کودک و نوجوان دور شدند و اکثرشان به سمت ساخت فیلم‌های طنز، اجتماعی و عاشقانه رفتند. همین موضوع باعث ایجاد ضعف بزرگی در سینمای کودک و نوجوان شده. شخصاً به ساخت فیلم، چه کوتاه و چه بلند برای این رده سنی توجه ویژه‌ای دارم و ۴-۵ سال است که تمام توان خود را روی سوزه نوجوان گذاشته‌ام. ضمن آن‌که کار کردن با نوجوانان بازیگر که برای اولین بار مقابل دوربین قرار می‌گیرند نیز یکی از چالش‌هایی است که دوست دارم تجربه کنم.

توجه به سینمای بومی و جغرافیا محور هم یکی دیگر از ویژگی‌های آثار شماست که امروز کمتر کارگردانی سراغ آن می‌رود.

زمانی که فیلمسازی را آغاز کردم هدفم این بود که تصویر دیگری از سیستان و بلوچستان رادر سینمای ایران به تصویر بکشم. نخستین تجربه من با فیلم «لبیاب» رقم خورد که فضای کودک و نوجوان داشت. البته بعد از ساخت این فیلم فکر نمی‌کردم که آثار دیگری با محوریت زادگاهم بسازم اما مسیر فیلمسازی من بازم در سیستان و بلوچستان ادامه یافت. هرکدام از استان‌های زیبای کشورمان به یک خصوصیت و ویژگی شهرت دارند. باید تأکید کنم که مردم سیستان و بلوچستان نیز به مهمان‌نوازی، جوانمردی و غیرت اهالی‌اش مشهور هستند. برای همین معتقدم فیلم سینمایی میرو، نماینده‌ای از همین ویژگی‌های کمترگفته‌شده اهالی جنوبی کشورمان است. متأسفم که در طول دهه‌های اخیر، چهره‌ای منفی آمیخته به قاجاق، اشرار و... از این منطقه ارائه شده است، اما در لایه‌ای این تصاویر، نقاط روشن بسیار زیادی نیز وجود دارد که باید بیان شود و تمام تلاش من در فیلم بیان همین موضوعات است. میرو هم داستان زندگی پسری را روایت می‌کند که برای اثبات مردانگی‌اش دل به دریا می‌زند و مسیر پرفراز و نشیبی را سپری می‌کند. بارها گفته‌ام فیلم‌های

